

تأثیر دسترسی به منابع بر بهزیستی کارآفرینی با نقش میانجی خودکارآمدی منابع انسانی

ثریا برزگری^۱، یگانه شیخ رستم آبادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد، ابهر، ایران

^۲ کارشناسی، مدیریت بیمه، دانشگاه علمی و کاربردی شرکت سهامی بیمه ایران، تهران، ایران

چکیده

سازمان‌های امروزی با تحولات و تهدیدات گسترده بین‌المللی روبرو شده‌اند که بقای آن‌ها را با خطر مواجه کرده و آنان برای بقای خود باید راه‌حل‌ها و روش‌های جدیدی را تدوین نموده و به نوآوری و خلاقیت مستمر بپردازند. موتور حرکت چنین سازمان‌هایی برای موفقیت، کارآفرینی می‌باشد با توجه به این موضوع هدف این تحقیق بررسی تأثیر دسترسی به منابع بر بهزیستی کارآفرینی با رویکرد خودکارآمدی بود. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش همبستگی با رویکرد معادلات ساختاری بود که جامعه آماری آن مدیران و کارشناسان بیمه مرکزی تهران بود و ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد جمع‌آوری گردید و تجزیه و تحلیل با رویکرد معادلات ساختاری و در PLS انجام گرفت. نتایج بررسی نشان داد که دسترسی منابع بر خودکارآمدی کارآفرینی، خودکارآمدی کارآفرینی بر بهزیستی ذهنی و بهزیستی ذهنی بر تداوم راه‌اندازی تأثیر معناداری و مثبتی دارد همچنین خودکارآمدی به‌عنوان میانجی بین بهزیستی و دسترسی به منابع نقش معنادار و مثبتی و بهزیستی نیز بین خودکارآمدی کارآفرینی و تداوم راه‌اندازی تأثیر معنادار و مثبتی داشت.

واژه‌های کلیدی: دسترسی به منابع، کارآفرینی، بهزیستی، خودکارآمدی، بیمه مرکزی تهران.

۱- مقدمه

در عصر حاضر که جوامع و سازمان‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت هستند و در پی آن، پیچیدگی آن‌ها نیز رو به فزونی است، کارآفرینی در یک تعامل چندسویه یعنی هم در مفهوم ایجاد اشتغال، هم در مفهوم ایجاد تحول از راه نوآوری‌ها و بهبود فرایندها و هم به عنوان عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است (ناهید، ۱۳۶۳). سازمان‌های امروزی با تحولات و تهدیدات گسترده بین‌المللی روبرو شده‌اند که بقای آن‌ها را با خطر مواجه کرده و آنان برای بقای خود باید راه‌حل‌ها و روش‌های جدیدی را تدوین نموده و به نوآوری و خلاقیت مستمر بپردازند. موتور حرکت چنین سازمان‌هایی برای موفقیت، کارآفرینی می‌باشد (ایزائلو و اسماعیلی‌شاد، ۱۳۹۷).

محققان معتقدند زمانی که مردم از کار خود راضی هستند، بهره‌وری بیشتری دارند، به همکاران و سایرین در جوامع خود کمک می‌کنند، روابط اجتماعی قوی ایجاد می‌کنند و عمر طولانی‌تری دارند. از این رو، در رشته‌های مختلف کسب و کار (به عنوان مثال، امور مالی - بروگن و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ بازاریابی - لینگدو و همکاران^۲، ۲۰۱۸)، تحقیقات به طور فزاینده‌ای بر درک سلامت کارکنان و تأثیرات آن بر شخص، زندگی خانوادگی، سازمان‌ها و جامعه متمرکز شده است (داوید و همکاران^۳، ۲۰۲۰).

کارآفرینی زمینه بسیار جالبی را فراهم می‌کند که در آن می‌توان بهزیستی کارکنان را نه تنها به دلیل شیوع جهانی آن به عنوان یک حرفه، بلکه تجربه شغلی متفاوت آن برای بازیگران حرفه‌ای مطالعه کرد. افرادی که مشاغل کارآفرینی را دنبال می‌کنند با مجموعه مشخصی از استرس‌ها و فشارهای شغلی مانند ریسک‌پذیری بیشتر و عدم اطمینان شغلی مواجه می‌شوند و همچنین از مزایایی مانند استقلال تصمیم‌گیری بیشتر و به فعلیت رساندن استعداد برخوردار می‌شوند که بر سلامت روانی تأثیر می‌گذارد (هسو و همکاران^۴، ۲۰۱۹). بررسی‌های تحقیقاتی اخیر (استفان^۵، ۲۰۱۸) عوامل مختلفی را نشان می‌دهد که بر تجربه بهزیستی کارآفرینان تأثیر می‌گذارد، مانند اشکال مختلف سرمایه‌گذاری ویژگی‌های مختلف کارآفرینی (شیر و همکاران، ۲۰۱۹)، ویژگی‌های شخصیتی (پرزیپورکا^۶، ۲۰۱۷)، و زمینه‌ای مانند فضای کسب و کار در حالی که آشکار است که عوامل زیادی بر بهزیستی کارآفرینی تأثیر می‌گذارند، شاید استرس‌زاترین عنصر کارآفرینی پتانسیل بسیار بالای شکست کسب‌وکار باشد؛ بنابراین، جای تعجب است که علیرغم افزایش تعداد مطالعاتی که بهزیستی کارآفرینی را بررسی می‌کنند، توجه کمی به رابطه بین یکی از منابع اصلی شکست کسب‌وکار یعنی عدم دسترسی به منابع حیاتی شده است. (جیانگ و همکاران^۷، ۲۰۱۷)

دسترسی به منابع کمیاب برای موفقیت کارآفرینی حیاتی است؛ بنابراین، اگر موسسان استارت‌آپ بخواهند از احساسات منفی که احتمالاً با شکست کسب‌وکار همراه است اجتناب کنند باید به منابع حیاتی دسترسی پیدا کنند. این منابع اغلب شامل سرمایه انسانی در قالب تجربه و آموزش مرتبط، سرمایه اجتماعی در قالب شبکه‌های اجتماعی مفید و سرمایه مالی می‌شود (لیائو و همکاران^۸، ۲۰۰۸)

¹ Brügggen, et al.² Lyngdoh et al.³ Marshall et al.⁴ Hsu et al⁵ Stephan⁶ Przepiorka⁷ Jiang⁸ Liao et al.

همانطور که قبلاً ذکر شد، تحقیقات در مورد منابع دسترسی و بهزیستی برای کارآفرینان اندک است. با این حال، برخی شواهد نشان می‌دهد که کارآفرینانی که حمایت اجتماعی از دوستان و خانواده ندارند، احساس تنهایی می‌کنند (فرت، تورس، آستین، و سنت پیر، ۲۰۱۶). تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که کارآفرینان ممکن است استرس بیشتری را پس از دریافت بودجه احساس کنند

با این حال، این مطالعات به جای بهزیستی و شادی کلی کارآفرینی، که ممکن است نتایج متفاوتی به همراه داشته باشد، به استرس در سراسر فرآیند کارآفرینی مربوط می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از این مطالعات فاقد توضیح نظری مبنی بر روابط بین منابع و بهزیستی هستند. با توجه به این شکاف‌های ادبی، هدف ما در این مطالعه پیوند مفهومی و تجربی دسترسی یک کارآفرین به منابع حیاتی با بهزیستی فردی است (بویان و ایولس^۹، ۲۰۱۹).

در این تحقیق از اصول نظریه شناختی اجتماعی (بندورا، ۲۰۰۱)، به ویژه نقش خودکارآمدی (بندورا، ۱۹۹۴)، برای توضیح مکانیسم ارتباط نظری بین دسترسی به منابع و بهزیستی تاکید استفاده شده است. خودکارآمدی کارآفرینی به باورهای فرد در توانایی‌های خود برای انجام نقش‌ها و وظایف مهم مرتبط با فرآیندهای کارآفرینی، مانند شناسایی و تجاری‌سازی محصولات و/یا خدمات جدید اشاره دارد (داوید و همکاران، ۲۰۲۰). خودکارآمدی کارآفرینی به قدرت باور فرد و توانایی آن در ایفای نقش اشاره دارد که با موفقیت مرتبط با کارآفرینی است در زمینه کارآفرینی، خودکارآمدی به‌عنوان یک ویژگی ضروری در اختیار کارآفرینان معرفی می‌شود، زیرا به آن‌ها کمک می‌کند تا محیط‌های تجاری نامطمئن را به فرصت تبدیل کنند. در همان زمان، افراد بدون خودکارآمدی همین وضعیت را به‌عنوان یک مانع درک کردند (مایتلو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۰).

مدل‌های نظری و تجربی که توضیح می‌دهند چگونه بهزیستی باعث ایجاد کنش کارآفرینانه می‌شود، عمدتاً در مطالعات بهزیستی کارآفرینی غایب است (ویکلند^{۱۱}، ۲۰۱۹). در حالی که بسیاری از محققان به طور مکرر نشان می‌دهند که بهزیستی احتمالاً عزم کارآفرین را برای ادامه چالش‌های جدید سرمایه‌گذاری آینده افزایش می‌دهد، مطالعات کمی به طور تجربی هم پیش‌بینی‌های مهم و هم متغیرهای واسطه را در رابطه بین بهزیستی و تداوم کارآفرینی مرتبط کرده‌اند. هدف ما این است که با نظریه‌پردازی به این رابطه بپردازیم که در نتیجه احساس بهزیستی برای کارآفرینان با دسترسی به منابع و خودکارآمدی منجر به تداوم بیشتر در فعالیت‌های راه‌اندازی می‌شود.

بنابراین، به نظر می‌رسد توجه ویژه به توسعه کارآفرینی در فرایندهای عملیاتی و خدماتی این صنعت و عوامل مؤثر بر بسط و گسترش فرهنگ کارآفرینی میان کارکنان شاغل در صنعت بیمه بتواند راهکار مناسبی در برخورد با این چالش باشد؛ بنابراین بحث‌ها هدف این تحقیق بررسی تأثیر دسترسی بر منابع بر بهزیستی کارآفرینی با نقش میانجی خودکارآمدی در بیمه مرکزی تهران می‌باشد.

۲. مبانی نظری

پیتر دراگر، کارآفرینی را منظری برای تغییر میدانده که همیشه در جستجوی تغییر است، نسبت به آن از خود واکنش نشان می‌دهد و آن را یک فرصت و شانس می‌داند. اول اینکه او در درجه اول مدیریت کارآفرینی را پاسخی به نوآوری، و تمایل به تغییر را یک فرصت می‌داند (کلی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴). نه یک تهدید و برای ایجاد یک فضای کارآفرینانه، سیاستها

⁹ Bhuiyan & Ivlevs

¹⁰ Maitlo et al.

¹¹ Wiklund

¹² Kelley et al.

و روش‌هایی را پیشنهاد می‌کند. دوم اینکه معتقد است معیارهای سیستماتیک برای ارزیابی عملکرد یک شرکت به عنوان یک کارآفرینی یا نوآور حیاتی بوده، هدف از آن توسعه عملکرد است و سوم آنکه ساختار سازمانی را مناسبترین فضا برای ایجاد فضای کارآفرینی می‌داند. (نژاد ایرانی و همکاران، ۱۳۹۲). متخصصان کارآفرینی را نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی دانست و نقش وی را نوآوری یا ایجاد ترکیبی تازه از مواد شرح داد. وی نقش مدیران و افرادی که کسب و کار ایجاد می‌نمایند را از مفهوم کارآفرینی جدا نمود و مشخصه کارآفرینی را نوآوری و فرآیند کارآفرینی را تخریب خلاق نامید. تیمونز^{۱۳} (۱۹۹۰) در خصوص کارآفرینی می‌نویسد: کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ است. (رهنورد، ۱۳۹۰). بهزیستی ذهنی یک اصطلاح کلی است که در چندین رشته تحقیقاتی استفاده می‌شود و بر هر دو دیدگاه لذت‌گرایانه و یودایمونیک در تعریف، توصیف و توضیح عملکرد روان‌شناختی سالم، تجربیات رضایت از زندگی و شادی تکیه دارد. در اصل، بهزیستی ذهنی «درجه» را توضیح می‌دهد؛ که مردم از زندگی و شغل خود راضی هستند «درک محرک‌های بهزیستی در زمینه‌های مختلف تحقیقاتی مهم است، زیرا همانطور که ارسطو ادعا کرد، ممکن است هدف اساسی وجود انسان باشد. اگرچه در مطالعه کارآفرینی نسبتاً جدید است، اما بهزیستی به دلیل تأثیرات ایجاد سرمایه‌گذاری جدید بر نتایج فردی و اجتماعی، توجه قابل توجهی را توسط محققان و متخصصان به خود جلب کرده است. (ویکلند، ۲۰۱۹).

تعداد کمی از مطالعات بر نقش دسترسی به منابع حیاتی در طول فرآیند ایجاد سرمایه‌گذاری جدید از نظر تأثیرگذاری بر بهزیستی تمرکز می‌کنند. نیومن و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۸) رویکردی به منابع دارند و نشان می‌دهند که اتکا به شبکه می‌تواند منجر به رضایت بیشتر از زندگی برای کارآفرینان شود. علاوه بر این، بویان و ایولیس (۲۰۱۹) اثرات استرس را جالبی از وام‌های مالی خرد برای کارآفرینان در مناطق روستایی بنگلادش پیدا کردند. با این حال، هیچ یک از این مطالعات به صراحت توضیح نمی‌دهد که چگونه ادراکات فردی از دسترسی به منابع حیاتی در طول مراحل برنامه ریزی و توسعه سرمایه‌گذاری جدید بر بهزیستی تأثیر می‌گذارد.

نظریه شناختی اجتماعی بندورا (SCT) توضیح می‌دهد که رفتارها، محیط‌ها و عوامل شخصی به طور پویا با هم تعامل دارند (۱۹۹۴، ۲۰۰۱). در واقع، از دیدگاه نظریه شناختی، بهزیستی تابعی از "تعهد فرد به آینده‌ای ارزشمند و توانمندسازی برای برداشتن گام‌هایی برای تحقق آن" است (بندورا، ۲۰۱۱) در نتیجه، برای درک بهزیستی کارآفرینی، باید در نظر داشته باشیم که چگونه کارآفرینان فردی در دسترس بودن عناصر مورد نیاز برای موفقیت در کارآفرینی (دسترسی به منابع حیاتی) را درک می‌کنند و چگونه این ادراکات شناختی در مورد محیط کارآفرینی بر باورهای فردی در مورد توانایی‌ها برای اجرای وظایف و فعالیت‌های مهم راه‌اندازی (خودکارآمدی کارآفرینی). تأثیر می‌گذارند.

اگرچه منابع ممکن است منحصر به فرد و/یا مختص یک سرمایه‌گذاری جدید باشند، تحقیقات سه نوع سرمایه اولیه را پیشنهاد می‌کند که عموماً در طول راه‌اندازی سرمایه‌گذاری مورد نیاز است: انسانی، اجتماعی و مالی. سرمایه انسانی به دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های اعضای تیم مخاطره‌آمیز اشاره دارد که ممکن است هم کلی و یا خاص برای اهداف مخاطره‌آمیز باشد (کلمن^{۱۵}، ۱۹۸۸). ظرفیت اجرای موفقیت‌آمیز وظایف مربوط به ایجاد و مدیریت سرمایه‌گذاری مستقیماً با عملکرد سرمایه‌گذاری جدید مرتبط است در مرحله بعد، سرمایه اجتماعی بر روابط مرکزی میان اعضای تیم سرمایه‌گذاری و ذینفعان خارجی مهم مانند سرمایه‌گذاران، مربیان، تامین‌کنندگان و مشتریان تمرکز دارد منابع مهمی مانند اطلاعات، تامین مالی، حمایت

¹³ Timunz

¹⁴ Newman et al.

¹⁵ Coleman

اجتماعی و دسترسی به بازار از این شبکه‌های رابطه‌ای سرچشمه می‌گیرند و از رشد و عملکرد سرمایه‌گذاری حمایت می‌کنند (دیویدسون و هونینگ^{۱۶}، ۲۰۰۳).

خودکارآمدی عمدتاً تحت تأثیر چهار فرآیند متمایز است: تسلط فعال، تجربه جانشین، متقاعدسازی کلامی و برانگیختگی فیزیولوژیکی. علاوه بر این، محققان توافق می‌کنند که از طریق مجموعه‌ای از اسناد یا نشانه‌ها است که این چهار فرآیند بر باورهای کارآمدی فرد تأثیر می‌گذارند. این نشانه‌ها ممکن است بیرونی به شکل ارزیابی‌های انجام‌شده توسط فرد از دشواری و پیچیدگی کار و درونی به شکل «کفایت توانایی (دانش و مهارت‌های) فرد» و تنوع مهارت باشد (مایلتو و همکاران، ۲۰۲۰). برخی از کارآفرینان بالقوه از طریق تجارب مدیریتی قبلی و تجربیات مرتبط با صنعت در سایر مشاغل نسبت به دیگران دارای سرمایه انسانی بیشتری هستند (بیتس، ۱۹۹۰). این تجارب یادگیری در جهت تسلط فعال و یادگیری جانشین مورد نیاز برای سطوح بالاتری از کارآیی کارآفرینی کار می‌کنند. زمانی که کارآفرینان بالقوه بتوانند از نشانه‌های اطلاعاتی توسعه یافته از تجربیات مرتبط استفاده کنند، احتمالاً نسبت به توانایی‌های خود برای انجام وظایف کارآفرینی اعتماد بیشتری دارند. به همین ترتیب، سرمایه اجتماعی تعبیه شده در شبکه‌های اجتماعی مهم، هم تجربیات یادگیری جانشینی و هم به طور بالقوه اقناع کلامی لازم برای اطلاعات مربوط به دانش و توانایی‌های مرتبط با ایجاد سرمایه‌گذاری جدید را فراهم می‌کند. (نیومن و همکاران، ۲۰۱۸).

تعداد زیادی از مطالعات تحقیقاتی از ارتباط بین خودکارآمدی و بهزیستی در زمینه‌های مختلف حمایت می‌کنند. به عنوان مثال، (داوید و همکاران، ۲۰۲۰). دریافتند که خودکارآمدی به طور موثر سطوح افسردگی را کاهش می‌دهد. کاپرارا و استکا (۲۰۰۵) رابطه مثبتی بین خودکارآمدی و رفتار اجتماعی و رضایت از زندگی یافتند. مطالعات دیگر شواهدی از ارتباط خودکارآمدی با بهزیستی را در بین دانشجویان نوجوانی (وکیو، ژربینو، دل بوو، و کاپرارا، ۲۰۰۷)، افراد دارای سلامت جسمانی نشان می‌دهند. چالش‌ها و کارکنان (اوسالیوان^{۱۷}، ۲۰۱۱)، خودکارآمدی بیشتر به کارآفرینان کمک می‌کند تا در برنامه‌های خود برای کسب‌وکار جدید خود احساس اطمینان کنند و بنابراین منجر به افزایش توانایی‌ها برای پیش‌بینی، پیش‌بینی و تطبیق برنامه‌های راه‌اندازی می‌شود. اهداف و برنامه‌های واضح تر همراه با افزایش اعتماد به نفس برای اجرای موفقیت آمیز این برنامه‌ها منجر به افزایش احساس شادی و رضایت برای کارآفرینان می‌شود (استرو و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۸).

تداوم کارآفرینی به مصرف مکرر انرژی و تلاش یک کارآفرین برای حل مشکلات و چالش‌های مرتبط با ایجاد سرمایه‌گذاری و فرآیند راه‌اندازی اشاره دارد. با توجه به چالش‌های متعدد مرتبط با ایجاد سرمایه‌گذاری و فرآیند استارت‌آپ، پشتکار مستمر یک عامل حیاتی برای تبدیل شدن به یک کارآفرین موفق است؛ بنابراین، کشف محرک‌های این تداوم کارآفرینی برای تحقیق و عمل کارآفرینی مهم است. ما تئوری می‌کنیم که بهزیستی، به دلیل دسترسی به منابع و افزایش خودکارآمدی، به عنوان یک مکانیسم مهم در توضیح فعالیت‌های تداوم کارآفرینی عمل می‌کند (هولند و شپرد^{۱۹}، ۲۰۱۳).

علاوه بر این، احساسات خوب در طول فرآیند کارآفرینی می‌تواند انگیزه، شدت و تلاش برای فعالیت‌های راه‌اندازی را از طریق افزایش کنترل بر احساسات و انگیزه‌های فرد ایجاد کند. ما تأثیر مشابهی از بهزیستی و تداوم استارت‌آپ ارائه می‌کنیم، به گونه‌ای که شادی و رضایت، اقدامات مستمری را برای حمایت از بهزیستی مداوم ایجاد می‌کند. تحقیقات مرتبط حاکی از آن

¹⁶ Davidsson & Honig

¹⁷ O'Sullivan

¹⁸ Stroe et al.

¹⁹ Holland & Shepherd,

است که سایر احساسات مثبت مانند اشتیاق به افرادی که به عنوان یک کارآفرین کار می کنند اثرات مشابهی بر پایداری از طریق مکانیسم های شناسایی دارند، به طوری که احساسات خوب فرد را به کار خود به عنوان کارآفرین نزدیک تر می کند و در نتیجه فداکاری افزایش می یابد (کاردون و جیانگ و همکاران، ۲۰۱۸)

توضیح داد که خودکارآمدی محرک اصلی تلاش مستمر به سمت اجرای نقش است، به ویژه در جایی که وظایف به ویژه چالش برانگیز هستند و خطر شکست زیاد است. تئوری او بیان می کند که افراد با سطوح کم تلاش تمایل دارند به راحتی تسلیم شوند و در هنگام مواجهه با چالش ها تلاش های خود را کند می کنند زیرا آن ها شکست ها را نتیجه ناتوانی های شخصی می دانند. برای کارآفرینان، نشان داده شده است که خودکارآمدی پایداری راه اندازی را پیش بینی می کند (شارما و همکاران، ۲۰۲۰).

۱- با توجه به مبانی نظری مدل مفهومی به شکل زیر می باشد:

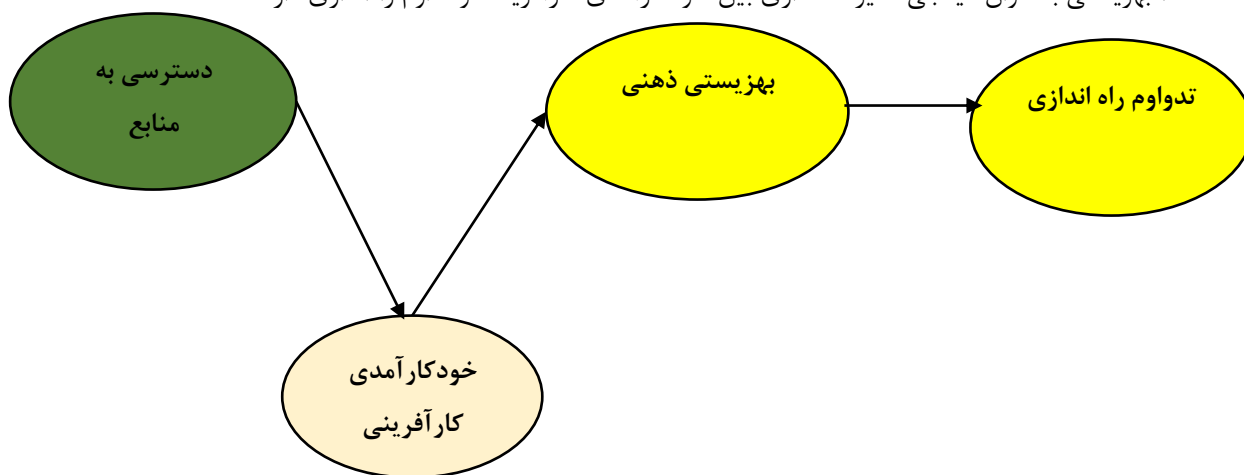
۲- دسترسی به منابع تأثیر مثبتی با خودکارآمدی کارآفرینانه دارد.

۳- خودکارآمدی کارآفرینی رابطه مثبتی با بهزیستی دارد.

۴- بهزیستی رابطه مثبتی با تداوم کارآفرینی دارد.

۵- خودکارآمدی کارآفرینانه به عنوان میانجی تأثیر مثبت بین دسترسی به منابع و بهزیستی دارد.

۶- بهزیستی به عنوان میانجی تأثیر معناداری بین خودکارآمدی کارآفرینانه و تداوم راه اندازی دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

منبع: داوید و همکاران (۲۰۲۰)

۳. روش شناسی

این تحقیق کاربردی بوده و با رویکرد معادلات ساختاری انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق مدیران و کارشناسان بیمه مرکزی در تهران بودند که ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و به صورت طبقه ای انتخاب شدند.

گردآوری اطلاعات در این تحقیق با استفاده از پرسشنامه استاندارد که از تحقیق شارما و همکاران (۲۰۲۰) و برای بهزیستی ذهنی از پرسشنامه گلدبرگ و هیلی استفاده شده است که این پرسشنامه دارای ۱۲ سوال می باشد و سوالات نمره های صفر و یک را می گیرند. اقتباس شده است، استفاده شد. پایایی این پرسشنامه برای دسترسی به منابع ۰/۷۸۹، خودکارآمدی کارآفرینی ۰/۸۸۸، بهزیستی ذهنی ۰/۷۵۴ و تداوم کارآفرینی ۰/۹۰۱ به دست آمد و روایی نیز به تایید خبرگان رسید.

برای تجزیه و تحلیل در این تحقیق از معادلات ساختاری در PLS انجام گرفت.

۴. یافته‌ها

در این تحقیق ۲۵ درصد (۵۰ نفر) زن و ۷۵ درصد (۱۵۰) مرد بودند، از نظر تحصیلات ۶۶ درصد (۱۳۲ نفر) دارای مدرک کارشناسی و ۳۳ درصد (۶۸ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. از نظر سابقه نیز ۴۸ درصد (۹۶ نفر) دارای سابقه ۱۰-۱۵ سال، ۲۰ درصد (۴۰ نفر) دارای سابقه ۱۵ تا ۲۰، ۱۷ درصد (۳۴ نفر) دارای سابقه ۵ تا ۱۰ سال و ۱۵ درصد (۳۰ نفر) دارای سابقه بالاتر از ۲۰ سال بودند.

در جدول ۱ آمار توصیفی متغیرها ارائه شده است

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرها

تعداد	انحراف .	چولگی	کشیدگی	میانگین	
				معیار	معیار
۲۰۰	۳/۳۵	۰/۷۱	-۱/۰۰۴	۰/۰۴۹	دسترسی به منابع
۲۰۰	۴/۴۳	۰/۶۰	-۰/۶۱۳	-۰/۵۴۲	خودکارآمدی کارآفرینی
۲۰۰	۳/۰۵	۰/۷۳	-۱/۱۰۸	-۰/۰۷۰	تداوم راهاندازی
۲۰۰	۹/۲۵	۱/۲۴	۰/۸۲۷	-۰/۵۶۱	بهزیستی ذهنی

با توجه به جدول دسترسی به منابع دارای میانگین ۳/۳۵، خودکارآمدی کارآفرینی ۴/۴۳، راهاندازی مجدد ۳/۰۵ و بهزیستی ذهنی ۹/۲۵ هستند. همچنین با توجه به میزان چولگی و کشیدگی که بین ۲ الی ۲- قرار دارند نشان دهنده توزیع نرمال داده‌ها می‌باشد.

در جدول ۲ معیارهای پایایی، روایی و برازش کلی مدل ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های بررسی وضعیت مدل

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	(AVE)	R ²	GOF
دسترسی به منابع	۰/۷۴۹	۰/۷۷۵	۰/۶۹۶	-	۰/۵۸۷
خودکارآمدی کارآفرینی	۰/۷۵۰	۰/۸۸۸	۰/۷۵۸	۰/۸۸۴	
راهاندازی مجدد	۰/۷۱۴	۰/۸۷۴	۰/۶۶۱	۰/۵۹۰	
بهزیستی ذهنی	۰/۸۲۸	۰/۸۷۰	۰/۶۶۵	۰/۵۸۰	

با توجه به جدول بالا معیارهای پایایی آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می‌باشد که برا همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ قرار دارد که نشان دهنده پایایی مناسب می‌باشد. برای روایی از میانگین واریانس استخراجی (AVE) استفاده شد که برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۵ بود. برای برازش مدل نیز از معیار R² و نیکوئی برازش (GOF) استفاده شد که هر دو در حد قوی قرار داشتند.

بررسی فرضیه‌ها

جدول ۳: آزمون فرضیه‌های تحقیق

نتیجه	سطح معناداری	مقدار تی (t-value)	ضریب مسیر (B)	
تایید	۰/۰۰۳	۳/۰۳۷	۰/۳۳۸	دسترسی به منابع خودکارآمدی کارآفرینی
تایید	۰/۰۰۳	۳/۰۳۲	۰/۳۸۱	خودکارآمدی کارآفرینی بهزیستی ذهنی
تایید	۰/۰۰۰	۸/۰۲۳	۰/۴۷۶	بهزیستی ذهنی تداوم راهاندازی
تایید	۰/۰۰۰	۳/۰۶۶	-	دسترسی به منابع خودکارآمدی کارآفرینی بهزیستی
تایید	۰/۰۰۰	۵/۵۶۷	-	خودکارآمدی کارآفرینی بهزیستی تداوم راهاندازی

با توجه به جدول بالا تأثیر دسترسی بر خودکارآفرینی با ضریب ۰/۳۳۸، تأثیر خودکارآمدی کارآفرینی بر بهزیستی ذهنی با ضریب ۰/۳۸۱، تأثیر بهزیستی بر تداوم راهاندازی با ضریب ۰/۴۷۶ میزان تی خارج از بازه ۱/۹۶ و ۱/۹۶- دارند که نشان‌دهنده تأثیر معنادار می‌باشد.

همچنین نقش میانجی خودکارآمدی کارآفرینی بین دسترسی به منابع و بهزیستی با تی ۳/۰۶۶ و نقش میانجی بهزیستی بین خودکارآمدی کارآفرینی و تداوم راهاندازی با تی ۵/۵۶۷ میانجی بودن آن‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد زیرا تی آن‌ها خارج از بازه ۱/۹۶ الی ۱/۹۶- قرار دارد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر دسترسی منابع و بر بهزیستی کارآفرینی با رویکرد خودکارآمدی در بیمه مرکزی پرداخته شد. در این تحقیق داده‌ها با پرسشنامه جمع‌آوری شد و با رویکرد معادلات ساختاری تحلیل شد. نتایج بررسی نشان داد که دسترسی منابع بر خودکارآمدی کارآفرینی، خودکارآمدی کارآفرینی بر بهزیستی ذهنی و بهزیستی ذهنی بر تداوم راهاندازی تأثیر معناداری و مثبتی دارد همچنین خودکارآمدی به‌عنوان میانجی بین بهزیستی و دسترسی به منابع نقش معنادار و مثبتی و بهزیستی نیز بین خودکارآمدی کارآفرینی و تداوم راهاندازی تأثیر معنادار و مثبتی داشت؛ که این نتایج با تحقیق شارما و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

یکی از تعریف‌هایی که اغلب از کارآفرینی استفاده می‌شود، فرآیندی است که طی آن افراد فرصت‌ها را بدون توجه به منابعی که در حال حاضر کنترل می‌کنند، دنبال می‌کنند؛ بنابراین، این باور ذاتی وجود دارد که کارآفرینان موفق باید بتوانند منابع مورد نیاز برای موفقیت سرمایه گذاری خود را به کار گیرند. با این حال، آنچه در این تعریف لحاظ نشده است این است که هر کارآفرین سفر کارآفرینی خود را از بستری آغاز می‌کند که در آن ممکن است دسترسی ناهمگونی به سرمایه انسانی، اجتماعی و مالی نسبت به سایر کارآفرینان داشته باشد. با توجه به این تصدیق، هدف مطالعه ما بررسی چگونگی تأثیر دسترسی اولیه به منابع بر بهزیستی روانشناختی، خودکارآمدی کارآفرینانه و تداوم کارآفرینی کارآفرینان نوپا بود. اگرچه تحقیقات قبلی چگونگی تأثیر منابع اولیه بر تصمیمات در شرکت‌های کارآفرین را بررسی کرده است (هاینی، شپرد و مک‌مولن، ۲۰۰۹)، این تحقیق به منابع از یک سطح شرکت نگاه می‌کند نه از منظر سطح فردی. طبق دانش ما، مطالعه ما از جمله اولین مطالعاتی است که به

بررسی چگونگی تأثیر سطوح اولیه منابع فردی بر بهزیستی روانشناختی، خودکارآمدی و تداوم در طول مرحله توسعه سرمایه‌گذاری جدید پرداخته است.

با تکیه بر اصول نظریه شناخت اجتماعی (بندورا، ۱۹۹۴؛ ۲۰۰۱)، ما این فرض را مطرح کردیم که دسترسی به منابع حیاتی یک پیش‌بینی کننده مهم شادی برای کارآفرینان در مراحل اولیه چرخه زندگی مخاطره آمیز است. به طور خاص، ما استدلال کردیم که دسترسی به منابع، احساسات خوب پیرامون ایجاد سرمایه‌گذاری جدید را افزایش می‌دهد، زیرا افزایش دسترسی به منابع به کارآفرینان بالقوه کمک می‌کند تا در توانایی‌های خود برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف راه‌اندازی (خودکارآمدی کارآفرینی) اعتماد بیشتری داشته باشند. علاوه بر این، ما پیش‌بینی کردیم که این افزایش احساسات شاد به طور بالقوه به‌عنوان «محرک» (ویکلند و همکاران، ۲۰۱۹). برای تلاش‌های مداوم با فعالیت‌های استارت‌آپ عمل می‌کند. نتایج یک مطالعه تجربی-وینیت این فرضیه‌ها را پشتیبانی می‌کند و شواهد تجربی ارائه می‌دهد که: (۱) دسترسی بیشتر به منابع با سطوح بالاتر خودکارآمدی مرتبط است. (۲) خودکارآمدی کارآفرینی منجر به بهزیستی بیشتر می‌شود. (۳) خودکارآمدی کارآفرینانه رابطه بین دسترسی به منابع و بهزیستی را برای کارآفرینان بالقوه واسطه می‌کند. (۴) بهزیستی، تداوم راه‌اندازی را افزایش داد. (۵) ارتباط بین دسترسی به منابع و تداوم راه‌اندازی به طور متوالی توسط خودکارآمدی و بهزیستی ایجاد می‌شود.

این مطالعه کمک مهمی به تحقیقات متمرکز بر توضیح و درک بهزیستی کارآفرینان می‌کند. بسیاری از مردم کارآفرینی را به دلیل مزایایی که از نظر انعطاف‌پذیری، استقلال و توانایی دنبال کردن یک اشتیاق خاص ارائه می‌دهد که می‌تواند منجر به شادی و رضایت شغلی شود، دنبال می‌کنند (شیر و همکاران، ۲۰۱۹). علاوه بر این، تفاوت در شخصیت ممکن است منجر به تناسب (ناسازگاری) با شرایط کار کارآفرینی شود که بر بهزیستی کارآفرینان تأثیر می‌گذارد (داوید و همکاران، ۲۰۲۰).

این تحقیق با کشف رابطه مهم بین احساس کارآفرینی (بهزیستی) و اقدام کارآفرینانه (تداوم) به بهزیستی کارآفرینی و به طور کلی به بدنه بزرگتر تحقیقات کارآفرینی کمک می‌کنیم. از این رو، ما شواهد نظری و تجربی از بهزیستی را به‌عنوان یک "منبع و مکانیسم روانشناختی اساسی" در فرآیند کارآفرینی ارائه می‌دهیم (ویکلند و همکاران، ۲۰۱۹). اگرچه ارتباط بین خودکارآمدی کارآفرینانه و تداوم کارآفرینی ثابت شده است. این مطالعه به جریان نوپایی کمک می‌کند که چگونه عوامل دیگر، مانند اشتیاق کارآفرینی را بررسی می‌کند با سازه‌های خودکارآمدی و پشتکار کارآفرینانه تعامل داشته باشند.

این مطالعه، جزو اولین تحقیقات است که به بررسی می‌کنیم که چگونه دسترسی به منابع به‌عنوان مقدمه‌ای برای بهزیستی روان‌شناختی عمل می‌کند، و چگونه بهزیستی به نوبه خود بر تداوم کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. این در سطوح مختلف قابل توجه است، زیرا در مطالعات اخیر بهزیستی با تعداد فزاینده‌ای از نتایج مهم کارآفرینی مرتبط است. اینها شامل موضوعاتی مانند بهزیستی و پشیمانی کارآفرینی و چگونگی تأثیر بافت اجتماعی و نوع کارآفرینی بر بهزیستی است (هسو و همکاران، ۲۰۱۹).

سهم دیگر این مطالعه به دیدگاه نظری گسترده‌ای مربوط می‌شود که نتایج حاصل از مطالعه ما ممکن است به محققان این حوزه اجازه دهد تا در تحقیقات آینده از آن استفاده کنند. به این معنا که دسترسی به منابعی که منجر به بهزیستی بیشتر و تداوم بیشتر می‌شود به این معنی است که محققان ممکن است دیدگاه‌های نظری دیگری را فراتر از نظریه شناختی برای کمک به توضیح ارتباط بین خودکارآمدی و تداوم کارآفرینی در نظر بگیرند. با وارد کردن دسترسی به منابع (یا کمبود آن‌ها) در گفتگو، اکنون ممکن است بتوانیم از اصول نظریه حفاظت از منابع، در توضیح بهزیستی روانشناختی و فرآیندهای تداوم کارآفرینی استفاده کنیم. نظریه COR نظریه‌ای است که در ابتدا برای توضیح استرس روانشناختی ایجاد شد، و این نظریه

²⁰ Shir et al.

پیشنهاد می کند که استرس روانی ممکن است در یکی از سه موقعیت رخ دهد: (۱) تهدید از دست دادن منابع، (۲) از دست دادن واقعی منابع یا (۳) نه. افزایش منابع پس از صرف منابع در تلاش برای به دست آوردن منابع بیشتر (داوید و همکاران، ۲۰۲۰).

بنابراین، وجود (یا شاید حتی توهم) دسترسی به منابع در میان کارآفرینان نوپا، زمانی که آن‌ها در حال فکر کردن یا تلاش برای شروع یک سرمایه گذاری جدید هستند، ممکن است باعث استرس روانی کمتری در طول فرآیند شود. برعکس، سطوح بالاتر دسترسی به منابع ممکن است مکانیسم های مقابله ای بهتری را برای مقابله با عوامل استرس زا که به عنوان بخشی از فرآیند کارآفرینی تجربه می شوند، فراهم کند. این به نوبه خود، احتمالاً در افزایش بهزیستی روانی و تداوم کارآفرینی مفید است.

ارتباط بین منابع، بهزیستی و تداوم یافت شده در این مطالعه، پیامدهای عملی را برای سیاست گذاران و آژانس های توسعه اقتصادی و کارآفرینی منطقه ای ارائه می دهد. مهمتر از همه این است که القای اعتماد به سطح منابع موجود برای کارآفرینان مشتاق کلیدی است زیرا این امر بهزیستی روانی و پایداری آن‌ها را افزایش می دهد. در حالی که هیچ سازمان دولتی یا مرکز حمایت از کارآفرینی نمی تواند از وجود منابع مالی کافی برای کارآفرینان مشتاق اطمینان حاصل کند، اما می تواند منابع زیادی را در رابطه با فعالیت های سرمایه انسانی و اجتماعی فراهم کنند. وارد کردن کارآفرینان جدید به اکوسیستم کارآفرینی و شبکه حمایتی در این منطقه باید خودکارآمدی کارآفرینی آن‌ها را بیشتر کند و انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت‌های کارآفرینانه آن‌ها ایجاد کند.

به طور کلی درک اینکه چگونه کارآفرینان در طول فرآیند کارآفرینی بهزیستی را تجربه می کنند، هم برای تئوری و هم برای عمل در کارآفرینی بسیار مهم است. با استفاده از یک مطالعه تصویری تجربی، ما دسترسی به منابع، خودکارآمدی کارآفرینانه و بهزیستی ذهنی را برای کارآفرینان آینده مرتبط می کنیم. ما همچنین شواهدی از یک مدل میانجیگری سریالی پیدا کردیم که در آن بهزیستی به دلیل منابع و خودکارآمدی به طور مثبت با تداوم راه اندازی مرتبط است. مطالعه ما نشان می دهد که منابع نه تنها برای موفقیت کسب و کار مهم هستند، بلکه برای عملکرد افراد در طول فرآیند راه اندازی نیز حیاتی هستند، و نشان می دهد که اعتماد و شادی بیشتر از فراوانی منابع ناشی می شود تا کمبود.

منابع و مآخذ

۱. ایزانلو، زینب، اسماعیلی شاد، بهرنگ. (۱۳۹۶). نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه سرمایه روان‌شناختی و کارآفرینی سازمانی. مدیریت کسب و کار، ۹(۳۶)، ۷-۲۲.
۲. رهنورد، ف. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر ارتقای عملکرد سازمان‌های بخش دولتی ایران. پژوهشنامه علوم انسانی، ۸، ۷۹.
۳. کوشکی جهرمی، ع.، بودلایی، ا.، & نریمانی، م. (۱۳۹۲). ویژگی‌های سازمانی و تأثیر آن‌ها بر کارآفرینی. فصلنامه مدیریت در صنعت نفت، ۲۵-۳۸.
۴. ناهید، مجتبی، زالی محمدرضا ۱۳۹۳. بررسی تأثیر جوکارآفرینی سازمانی بر نوآوری، توسعه کارآفرینی، ۳(۶) ۴۷-۶۶.
5. Bandura, A. (1994). Self-efficacy. In V. S. Ramachaudran (Vol. Ed.), Encyclopedia of human behavior: Vol. 4, (pp. 71-81). New York: Academic Press.
6. Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. Annual Review of Psychology, 52(1), 1-26.
7. Brügger, E. C. , Hogreve, J. , Holmlund, M. , Kabadayi, S. , & Löfgren, M. (2017). Financial well-being: A conceptualization and research agenda. Journal of Business Research, 79, 228-237.
8. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94, S95-S120.
9. David R. Marshall, William R. Meek, R. Gabrielle Swab, Erik Markin 2020, Access to resources and entrepreneurial well-being: A self-efficacy approach, Journal of Business Research, Volume 120, 203-212.
10. Davidsson, P. , & Honig, B. (2003). The role of social and human capital among nascent entrepreneurs. Journal of Business Venturing, 18(3), 301-331.
11. Holland, D. V. , & Shepherd, D. A. (2013). Deciding to persist: Adversity, values, and entrepreneurs' decision policies. Entrepreneurship Theory and Practice, 37(2), 331-358.
12. Hsu, D. K. , Shinnar, R. S. , & Anderson, S. E. (2019). 'I wish I had a regular job': An exploratory study of entrepreneurial regret. Journal of Business Research, 96, 217-227.
13. Jiang, C. , Lu, L. , & Lu, J. J. (2017). Socioeconomic factors affecting the job satisfaction levels of self-employed container truck drivers: A case study from Shanghai Port. Maritime Policy and Management, 44(5), 641-656.
14. Kelley, D. , Singer, S. , and Herrington, M. (2014). The global entrepreneurship monitor, 2011 global report, *Global Entrepreneurship Research Association* (GERA), United States, 23(4), pp. 1- 39.
15. Liao, J. J. , Welsch, H. , & Moutray, C. (2008). Start-up resources and entrepreneurial discontinuance: The case of nascent entrepreneurs. Journal of Small Business Strategy, 19(2), 1-16.
16. Lyngdoh, T. , Liu, A. H. , & Sridhar, G. (2018). Applying positive psychology to selling behaviors: A moderated-mediation analysis integrating subjective well-being, coping and organizational identity. Journal of Business Research, 92, 142-153.
17. Maitlo Q, Pacho FT, Liu J, Bhutto TA, Xuhui W. The Role of Entrepreneurial Self-Efficacy in Resources Acquisition in a New Venture: The Mediating Role of Effectuation. *SAGE Open*. October 2020.

18. Newman, A. , Mole, K. F. , Ucbasaran, D. , Subramanian, N. , & Lockett, A. (2018). Can your network make you happy? Entrepreneurs' business network utilization and subjective well-being. *British Journal of Management*, 29(4), 613–633.
19. O'Sullivan, G. (2011). The relationship between hope, eustress, self-efficacy, and life satisfaction among undergraduates. *Social Indicators Research*, 101(1), 155–172.
20. Przepiorka, A. M. (2017). Psychological determinants of entrepreneurial success and lifesatisfaction. *Current Psychology*, 36(2), 304–315.
21. Shir, N. , Nikolaev, B. N. , & Wincent, J. (2019). Entrepreneurship and well-being: The role of psychological autonomy, competence, and relatedness. *Journal of Business Venturing*.
22. Stephan, U. (2018). Entrepreneurs' mental health and well-being: A review and research agenda. *Academy of Management Perspectives*, 32(3), 290–322.
23. Stroe, S. , Parida, V. , & Wincent, J. (2018). Effectuation or causation: An fsQCA analysis of entrepreneurial passion, risk perception, and self-efficacy. *Journal of Business Research*, 89, 265–272.
24. Wiklund, J. , Nikolaev, B. , Shir, N. , Foo, M. D. , & Bradley, S. (2019). Entrepreneurship and well-being: Past, present, and future. *Journal of Business Venturing*, 34(4), 579–588.